

## بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه پنجاه و پنجم ۰۸/۱۱/۹۶

لزوم پاسخگوئی روشمند به شبهات (۵۴) - آشنایی با فرق کلامی اهل سنت (۲۲)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله.

بحث ما در رابطه با اساسی‌ترین مبانی فکری و فتوایی و اعتقادی وهابیت بود عرض شد که این‌ها در تکفیر دیگران غلو و افراط دارند و حتی با خود احمد ابن حنبل هم مخالف هستند.

در وجود این‌ها کوچک‌ترین انعطاف و محبتی نسبت به دیگران نیست و در هر موردی که پیش می‌آید و با مشکلی مواجه می‌شوند یا مانعی در مسیر راهشان می‌بینند تنها ابزارشان صدور فتوای کفر و قتل و تصرف اموال طرف مقابل است.

عرض کردیم آقای حسن فرحان مالکی در کتاب **داعية و ليس نبياً** مجموعه‌ای از این تکفیرها را مطرح کرده است.

او با استناد به کتاب کشف الشبهات محمد بن عبدالوهاب حدود ۲۵ - ۲۷ مورد ذکر می‌کند که مشرکین زمان ما از مشرکین زمان پیغمبر هم شرک‌شان قوی‌تر است.

چون آن‌ها:

(فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ)

مشرکین زمانی که سوار کشتی می‌شدند و با مشکل مواجه می‌شدند خدا را صدا می‌کردند وقتی که به ساحل می‌آمدند شرکشان را از سر می‌گرفتند.

سوره عنکبوت (۲۹): آیه ۶۵

ولی مشرکین زمان ما چه در گرفتاری و چه در غیر گرفتاری به جای خدا غیر خدا را صدا می‌کنند؛ پس شرک این‌ها قوی‌تر از شرک زمان مشرکین جاهلیت است!

دیروز ما نمونه‌ای از فتاوی‌ای این‌ها را گفتیم که کل مسلمان‌ها را تکفیر کرده‌اند و در رأس آن مردم مکه و مدینه بودند.

در کتاب الدرر السنیة نام کشورها و شهرها را می‌آورد

«فأما بلاد نجد فقد بالغ الشيطان في كيدهم وجد وكانوا ينتابون»

الدرر السنیة فی الکتب النجدیة - (ج ۱ / ص ۳۶۲)

همان منطقه‌ای که وهابیت از آن جا روئیده شده است

در منطقه‌ی نجد اطراف ریاض شیطان در حیل‌هایی که دارد مبالغه کرده است.

اولین قبری را که این‌ها ویران کردند قبر زید ابن خطاب برادر عمر ابن خطاب در منطقه نجد بود.

«ویدعونه رغباً ورهباً بفصیح الخطاب، ویزعمون أنه یقضي لهم الحوائج ویرونه من أكبر الوسائل والولائج»

این‌ها در کنار قبر زید ابن خطاب می‌آیند و با فصیح‌ترین خطاب صدا می‌کنند ای برادر خلیفه دوم، ای نور دیده‌ی خلیفه دوم و... حاجت ما را بر آورده کن.

هم قبر را ویران کردند و هم افرادی را که در آن جا بودند اذیت کردند، قطعاً در منطقه‌ی نجد شیعه‌ای نبوده است، شاگردان عبدالله بن سبأ نبوده اند! همه اهل سنت بودند.

بعد می‌گوید:

«ومن العجب أن هذه الاعتقادات الباطلة، والمذاهب الضالة والعوائد والجائرة والطرائق والخاسرة : قد فشت، وظهرت وعمت وطمت حتى بلاد الحرمين الشريفين»

دیگر ایشان چیزی را جا نگذاشت. می‌گوید: اعتقاد باطل و مذهب گمراه کننده و این عادت‌های جائز و راهبایی که جز خسارت برای بشر چیزی ندارد گسترش و عمومیت پیدا کرده حتی بلاد حرمین شریفین را همین گمراهی فرا گرفت.

بعد می‌گوید:

« ومن ذلك : ما يفعل عند قبر ميمونة، أم المؤمنين ...وكذلك عند قبر : خديجة رضي الله عنها، ... ما لا يسوغ السكوت عليه من مسلم يرجو الله والدار الآخرة»

...هیچ مسلمانی نباید سکوت کند.

الدرر السنیه فی الکتب النجدیه - (ج ۱ / ص ۳۶۴)

مردم در کنار قبر ابن عباس در طایف که در حدود ۹۵ کیلومتری شمال مکه است امور شرکیه انجام می‌دهند به طوری که:

«التي تشمئز منها نفوس الموحدين»

باید بگوییم:

«تشمئز منها نفوس المنافقين والخوارج»

«وتنكرها قلوب عباد الله المخلصين»

باید بگوییم:

«وتنكرها قلوب عباد الشياطين»

بعد می‌گوید:

«وتردها الآيات القرآنية»

حالا کدام آیه قرآن است که این‌ها را نفی می‌کند ما که در قرآن آیه‌ای پیدا نکردیم که بگوید رفتن کنار قبر و صدا کردن صاحب قبر حرام و یا مکروه است. جز این‌که این آیات مربوط به عبدهی اوئان و اصنام است. این‌ها را تطبیق می‌دهند بر کسانی که در کنار قبور ائمه علیهم السلام و نبی گرامی و عباد الله الصالحین یا بعضی از افرادی که محترم هستند!

باز می‌گوید:

« كذلك ما يفعل : بالمدينة المشرفة، على ساكنها افضل الصلاة والسلام، هو من هذا القبيل بالبعد عن مناهج

الشريعة والسبيل وفي بندر جدة : ما قد بلغ من الضلال حده»

... در جده گمراهی از حد حساب رد شده است!

«وهو : القبر الذي يزعمون أنه قبر : حواء»

بعضی‌ها تصور می‌کنند قبر حضرت حواء است.

«وضعه لهم بعض الشياطين... وكذلك مشهد العلوي، بالغوا في تعظيمه وتوفيره وخوفه، ورجائه»

بعد می‌گوید:

«وَأما بلاد مصر وصعيدها وفيومها، وأعمالها، فقد جمعت من الأمور الشركية، والعبادات الوثنية، والدعاوى

الفرعونية، مالا يتسع له كتاب»

در مصر به قدری امور شرکی و عبادت‌های بت پرستانه و ادعاهای فرعونی زیاد است که کتاب گنجایش نقل

آن‌ها را ندارد.

«ولا يدنو له خطاب»

اصلاً گفتار به نزدیکی نمی‌آید.

بعد می‌گوید:

«لا سيما عند مشهد : أحمد البدوي و...»

و باز در حضر موت و عدن و در نجران که مربوط به عربستان سعودی است.

«وكذلك، حلب ودمشق، وسائر بلاد الشام»

بعد به عراق می‌رسد.

«وكذلك : الموصل، وبلاد الأكراد»

همچنین در آخر می‌گوید عراق چنین و چنان است، همه این‌ها برای اهل سنت بود، تازه در مورد شیعیان شروع

کرده است:

« وعندهم المشهد الحسيني : قد اتخذه الرافضة وثناً بل ربا مدبراً، وخالقاً ميسراً »

نمی‌دانم این حرف‌ها را از کجا می‌آورند؟! کدام بچه شیعه یا حتی کدام عوام نستجیر بالله معتقد است که حضرت سید الشهداء علیه السلام ربّ مدبر است و خالق میسر است؟!!

« وأعادوا به المجوسية »

آیین مجوسیت را در کربلای معلی این‌ها برگردانده‌اند!

« وأحيوا به معاهد اللات، والعزى وما كان عليه أهل الجاهلية »

همان برنامه‌هایی که عرب جاهلیت در برابر بت لات و عزی داشت این‌ها احیاء کردند.

همچنین:

« مشهد العباس ومشهدُ علي ومشهدُ ابي حنيفة »

این‌ها را هم آورد بد نیست، فقط شیعه را مورد هجمه قرار نداد زیارتگاه ابوحنیفه در بغداد است.

همچنین معروف کرخی، عبدالقادر گیلانی و...

« فإنيهم قد أفتتنوا بهذه المشاهد، رافضتهم، وسنيتهم »

یعنی کاری به شیعه و سنی ندارد می‌گوید همه مشرک هستند فقط من محمد ابن عبدالوهاب و هر کس که به

کفریات من معتقد شد ، موحد است! خلاصه سخن این‌که:

« وبالجملة : فهم شر تلك الأمصار، وأعظمهم نفوراً عن الحق، واستكباراً، والرافضة : يصلون لتلك المشاهد »

خوب دقت کنید؛ شیعه‌ها برای این زیارتگاه‌ها نماز می‌خوانند!

« ويركعون، ويسجدون لمن في تلك المعاهد »

بر پدر دروغگو لعنت!

مخصوصاً به این جمله خوب دقت کنید:

«وبالجملة»

خلاصه سخن

«والرافضة : يصلون لتلك المشاهد ويركعون، ويسجدون لمن في تلك المعاهد»

برای اینها نماز می‌خوانند در برابر اینها رکوع و سجده می‌کنند

«وقد صرفوا من الأموال، والنذور، لسكان تلك الأجداث والقبور، ما لا يصرف عشر معشاة للملك العلي الغفور»

خرج‌هایی که اینها برای زیارتگاه‌ها می‌کنند، ده درصدش را هم برای خدا خرج نمی‌کنند.

احمق! برای زیارتگاه‌ها که خرج می‌کنند قربه الی الله دارند انجام می‌دهند، یا حداقل شیعه‌ها برای ساختن قبور

ائمه اهل بیت علیهم السلام خرج می‌کنند شماها که میلیاردها، میلیارد برای عیاشی‌های خودتان در کشورهای

اروپایی خرج می‌کنید. آن‌هایی که برای قبور ائمه علیهم السلام خرج می‌کنند یک دهم از هزاران و میلیاردها

پولی که شما برای عیاشی و ساختمان‌ها و... خرج می‌کنید هم نیست!!

در هر صورت...

« ويزعمون : أن زیارتهم لعلی وأمثاله، أفضل من سبعین حجة لله تعالی»

بعد می‌گوید:

« فمن اطلع علی هذه الأفاعیل، وهو عارف بالإیمان والإسلام ، وما فیهما من التفریغ، والتأصیل : تیقن أن القوم

قد ضلوا عن سواء السبیل»

پرسش:

استاد آن عبارت بالایش هم جالب است

«ولم يبق مما عليه النصارى»

پاسخ:

بله

«ولم يبق مما عليه النصارى، سوى دعوى الولد»

اعتقاداتی که شیعه دارد اگر با اعتقادات نصارا مقایسه کنیم غیر از این که نصارا فقط یک تفاوتی دارند که برای خداوند عالم فرزندی قائل هستند، ولی این‌ها فرزندی قائل نیستند.

این نمونه‌ای از تکفیر این‌ها است و طرف حساب‌شان هم به تنهایی شیعه نیست عمدتاً اهل سنت هستند، یعنی ۹۰ درصد اهل سنت و ۱۰ درصد شیعه.

یا مثلاً در این جا:

«قال الشيخ»

مراد از شیخ، محمد ابن عبدالوهاب است.

«إذا ظهر في بلد دعاء غير الله ... وقاتلوا عليه، وتقررت عندهم عداوة أهل التوحيد، وأبوا عن الانقياد للدين، فكيف لا يحكم ... وأنهم منهم بريئون من أهل مكة أو غيرهم»

الدرر السننية في الكتب النجدية - (ج ۱۲ / ص ۲۶۸)



باز در همین کتاب آمده است:

«سئل أبناء الشيخ محمد بن عبد الوهاب، رحمهم الله تعالى: من لم تشمله دائرة إمامتكم، ويتسم بسمة دولتكم،

هل داره دار كفر وحرب على العموم؟»

اگر در یک کشور یا شهری صدای شما به آنجا هنوز نرسیده باشد آیا آنجا هم دار کفر است؟

(الدرر السننية في الكتب النجدية - ج ۱۲ / ص ۲۵۶)

« فأجابوا: الذي نعتقه وندين الله به، أن من دان بالإسلام، وأطاع ربه فيما أمر، ... ولم تكفر أحدا دان بدين

الإسلام، لكونه لم يدخل في دائرتنا، ولم يتسم بسمة دولتنا، بل لا تكفر إلا من كفر الله ورسوله، ومن زعم أنا تكفر

الناس بالعموم، أو نوجب الهجرة إلينا على من قدر على إظهار دينه ببلده، فقد كذب وافترى أن أهل اليمن وتهامه،

والحرمين والشام والعراق، قد بلغتهم دعوتنا، وتحققوا أنا نأمر بإخلاص العبادة لله»

تا آنجایی که می‌گویند مثل این افراد:

«لا تجب دعوتهم قبل القتال»

اصلاً لازم نیست ما اول این‌ها را به اسلام دعوت کنیم، اگر قبول نکردند با این‌ها بجنگیم، ما بدون این‌ها که این‌ها را

دعوت بکنیم باید با این‌ها بجنگیم.

بعد استدلال می‌آورد:

« فإن النبي صلى الله عليه وسلم أغار على بني المصطلق وهم غارون، وغزا أهل مكة بلا إنذار ولا دعوة»

من نمی‌دانم این حرف‌ها را از کجا در می‌آورند؟ آیا پیامبر به یهود بنی المصطلق بدون این‌که آن‌ها را به اسلام دعوت کند به آن‌ها حمله کرد؟! پیغمبر صلی الله علیه وآله ۱۳ سال‌ها این‌ها را در مکه انذار و دعوت به حق کرد آن وقت می‌گوید:

« و غزا أهل مكة بلا إنذار ولا دعوة »

**پرسش:**

پیامبر در جنگ با یهود، پیامبر حالت جنگ دفاعی داشتند و نه جنگ تهاجمی.

**پاسخ:**

بحث این نیست که آیا دفاعی یا تهاجمی بود بلکه بحث سر دعوت است که آیا پیغمبر دعوت کرد یا نکرد؟

جالب این‌جا است که در کتاب مؤلفات محمد ابن عبدالوهاب می‌گوید:

«واكثر الناس لا يميزُ بينهُ وبين الكفر»

بسیاری از مردم، بین ایمان و کفر را تشخیص نمی‌دهند.

فقط ما بلد هستیم که بین ایمان و کفر را تشخیص می‌دهیم!

**پرسش:**

استاد در مطلب قبلی، پیامبر که حمله نکردند، دفاعی بود در آیات قرآنی هم اشاره به حمله نیست یعنی اجازه می‌داد که دفاع بکنند و بجنگند.

**پاسخ:**

ما در زندگی نبی مکرم صلی الله علیه وآله در تمام جنگ‌ها و غزواتی که اتفاق افتاده حتی یک مورد هم ابتدایی نبوده است.

**پرسش:**

یعنی به پیامبر تهمت زدند؟

**پاسخ:**

بله

«وَأنا أَخبركم عن نفسي»

محمد ابن عبدالوهاب می‌گوید از خودم بگویم

مؤلفات محمد بن عبد الوهاب ، ج ۱، ص ۱۸۶، اسم المؤلف: محمد بن عبد الوهاب الوفاة: ۱۲۰۶ ، دار النشر :

جامعة الإمام محمد بن سعود - الرياض ، تحقيق : عبد العزيز زيد الرومي ، د. محمد بلتاجي ، د. سيد حجاب

«والله الذي لا اله الا هو»

قسم به خدای لاشریک له

« لقد طلبت العلم واعتقد من عرفني أن لي معرفة وأنا ذلك الوقت لا أعرف معني لا إله إلا الله ولا»

قسم به خدای لا شریک له تمام آن‌هایی که من را می‌شناسند، (بدانند) که وقتی به حوزہ آمدم اصلاً معنای لا اله

الا الله را نمی‌دانستم

« ولا أعرف دين الإسلام قبل هذا الخبر الذي من الله به »

قبل از این، خیری که خدا به من منت گذاشت و من به قول معروف وهابی شدم

« وكذلك مشايخي ما منهم رجل عرف ذلك »

هیچ کدام از اساتید من هم توحید را نمی فهمیدند چه است؟ نه خودم می فهمیدم نه اساتیدم!

پرسش:

یعنی خودش را هم دارد تکفیر می کند؟!

پاسخ:

بله همه را تکفیر می کند!

« فمن زعم من علماء العارض أنه عرف معنى لا إله إلا الله أو عرف معنى الإسلام قبل هذا الوقت أو زعم عن

مشايخه أن أحدا عرف ذلك فقد كذب وافتري وليس على الناس ومدح نفسه بما ليس فيه »

هر کس از علمای منطقه‌ی عارض یا مشایخش گمان بکند که لا اله الا الله یا معنای اسلام را می شناخت قبل از

این که ما دعوت توحید را شروع بکنیم دروغ گفته و افتراء بسته است...

پرسش:

پس صحابه را هم شامل می شود!

پاسخ:

بله، قبل از این کسی نمی شناخته است.

پرسش:

در مورد خود پیغمبر چه می‌گویند، کفر خودش را ثابت می‌کند!

**پاسخ:**

به قول معروف

«اقرار العلماء علی انفسهم جائز»

نسبت به دیگران دلیل می‌خواهد ولی نسبت به خودش، همان اقرار کفایت می‌کند!

**پرسش:**

استاد! ما به ابن تیمیه، نمی‌توانیم وهابی بگوییم.

**پاسخ:**

فرق نمی‌کند، وهابی یعنی عقیده تکفیر دیگران الان این در حقیقت برای این‌ها عَلَم شده است، حتی اگر ابن تیمیه و ابن قیم را کسی وهابی می‌گوید این به خاطر تسامح در استعمال است یعنی آن‌ها تفکرات تکفیری داشتند.

«ومن المؤسف المبکی أنّ عامة المسلمين من الجهال لا يعرفون المعنى الحقيقي للعبادة فيتوجهون بها إلى غير الله تعالى - جهلا - فيقعون في الشرك الأكبر المخرج من الملة... وإذا كان الجهلة من العامة يرتكبون هذا الشرك عن جهل وعدم إدراك وفهم لمفهوم العبادة»

**کیف نفهم التوحید - (ج ۱ / ص ۱)**

تأسفی که گریه‌آور است عموم مسلمین از جهال ... اگر نادان‌هایی از عوام مردم، این شرک را انجام می‌دهند و معنای عبادت را نمی‌فهمند

«ولكن ما عذر العلماء الكبار»

عذر علمای کباری که:

«الذين يعرفون المعنى الحقيقي للعبادة، ويعلمون في قرارة أنفسهم أن ما انغمس فيه العامة هو شرك أكبر  
مخرج من الملة»

علماء می‌دانند و معنای حقیقی عبادت را هم می‌فهمند و خودشان هم اقرار دارند که همه عوام مردم در شرک  
اکبر مخرج عن الدین وارد شدند.

«ویصدرون الفتاوی»

این علمای کبار، فتوا صادر می‌کنند.

این‌که، این شرک قوی و فعلی و اعتقادی که عموم مردم دارند

«هو توسل مطلوب وتعبير عن محبة الأنبياء والأولياء والصالحين»

می‌گویند این شرکیاتی که عموم مردم دارند در حقیقت این توسل مطلوب و نشانگر محبت به اولیاء الله است.

« أمن أجل دريهمات بخسة أو جاه زائل »

به خاطر درهم‌های ناچیز و مقامی که از بین رفتنی است

« یرتکبون هذه الجرائر في حق أنفسهم وفي حق العامة؟»

آیا این‌ها، این جرائر را در حق خودشان و در حق عموم مردم قبول دارند؟ بعد می‌گویند:

«إن هذا النوع من العلماء هم الضالون المضلون»

این گروهی از علماء هم گمراه و هم گمراه‌گر هستند.

این‌ها نمونه‌هایی است که عرض شد و یا در مجموعه فتاوای بن‌باز است که می‌گویند این حرفی که ما زدیم

«ذلک بأن الله هو الحق و أن ما يدعون من دونه هو الباطل»

این مال بت‌پرست‌ها است و ارتباطی به توسل ندارد.

می‌گویند:

«فتأمل ذلك جيداً و تدبره كثيراً ليتضح لك ما وقع فيه أكثر المسلمين»

اکثریت مسلمان‌ها یعنی از یک میلیارد و ششصد میلیون به استثنای هفت هشت میلیون وهابی همه این‌ها

«عبدوا مع الله غيره، و صرفوا خالص حقه لسواه ، فالله المستعان»

نمونه‌های زیادی وجود دارد جمیل زینو می‌گویند تمام مردم حجاز مشرک هستند، البانی می‌گویند فهم ما با

اهل سنت در توحید است، اهل سنت توحید را نفهمیدند ولی ما وهابی‌ها فهمیدیم.

«تراهم كسائر المسلمين تماماً في التمدح يختلفون عن سائر المسلمين في ناحية عامة جدا وهي فهمه

للتوحيد فهما صحيحاً اليوم أكثر المسلمين لا يعرفون أنواع الشرك التي تخل بعقيدة لا اله الا الله بخلاف النجديين

فقد درسه هذ العقيدة دراسةً دقيقةً جداً»

بعد از ابن تیمیه، شرک همه جای دنیا را فرا گرفت وهابیت، دین جدیدی آوردند.

«إن هذا الدين الذي من الله به في آخر الزمان على اهل نجد»

عنوان المجد في تاريخ نجد ، ج ۱ ، ص ۲۶ نویسنده المورخ الشهير الشيخ عثمان بن عبد الله بن بشر النجدي

الحنبلي ، چاپ الرياض ، دار الملك عبد العزيز.

می‌گوید:

«ولكنه جديد بالنسبة إلى أهل نجد وما كانوا فيه من الضلال وعبادة الأشجار والأحجار قبل قيام الشيخ الإسلام

محمد بن عبد الوهاب بدعوة التوحيد»

پرسش:

این دین جدید بیشتر به ذم می‌خورد تا به مدح

پاسخ:

می‌گوید دین جدیدی برای آنها است خودش هم می‌گوید

« ان هذا الدين الذي قام به محمد بن عبد الوهاب»

این‌ها نمونه‌هایی از کارهای این‌ها است و در آخرش هم می‌گوید تنها چیزی که عامل نجات است این‌هاست که شما

بباید طریقه آل شیخ یعنی دودمان محمد ابن عبد الوهاب را احیاء کنید صراط مستقیم این است هر کس از این

صراط مستقیم منحرف شود

«فقد سلك طريق اصحاب الجحيم»

اللهم صلي على محمد وآل محمد

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته